

بحران را به آرامی نابود کنید!

منبع: اکونومیست برگردان: مهدی اسماعیلی - مدیرت شعب استعان قم

این روزها خیلی ساده است عهد ببندیم که ضرر و زیان بعدی وام دهندگان به طلبکارانشان فشار وارد می کند نه به مالیات دهندگان، اما اواخر سال ۲۰۰۸ را بخاطر بیاورید، وقتی که قیمت سهام بزرگترین بانک دنیا توانست در عرض چند دقیقه به نصف برسد. افراد خبره می دانستند شرکتهای زیادی هستند که زیانشان را مخفی کرده اند. مشتریان این بانک از همه اقشار، از دلان گرفته تا متولیان کلیسا تا پانسیون نشینان و زنان بیوه، سعی در بیرون کشیدن پولهای خود از بانک داشتند که این امر باعث رکود بزرگ دیگری شد. حال تصور کنید نه در مسند ناظرین بلکه در مسند حساس تنظیم کنندگان بازار هستید که دوباره با یک بحران روبرو شده اند حقیقتا کسی می تواند بگوید آنها اجازه خواهند داد که یک بانک بزرگ سقوط کند؟

و هنوز به نوعی تنها انتخاب این است. قوانین مالی که تنظیم کنندگان بازار دوباره طراحی می کنند باید قابلیت اجرا داشته باشند. ساده ترین بخش وظیفه ایشان این است که با افزایش ضربه پذیری بانکها، این وضعیت دشوار کمتر بر اساس احتمالات استوار باشد. کار خوبی که این گروه انجام داد مقابله با لابی بانکها و اثبات این اصل که افزایش تدریجی سرمایه در حال حاضر بر اقتصاد، اثری کم و در بلند مدت تاثیر زیادی دارد. قوانین نهایی در نوامبر تصویب شد و احتمالا به بانکها ابلاغ خواهد شد تا در شرایط عادی نسبت سرمایه بایستی حداقل ۱۰ درصد ریسک دارایی ها باشد. ممکن است این امر برای بهبود خسارات اغلب بانکهایی که در فاصله سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ حد خطا داشته اند کافی باشد اما خساراتی که در بحران اخیر به آرامی به بانکها وارد شده دو - سه برابر میانگین خسارات وارد شده به سایر شرکتها می باشد. بطوری که هیچ سپر امنیتی مستدلی برای بانکها به اندازه کافی بزرگ نیست (شاید حتی نسبت کفایت سرمایه ۲۰ درصد نیاز باشد). بدتر اینکه، بحران نشان داد اگر از بانکها حمایت نشود تمام سیستم شان نابود می شود. و اینکه متکبرانه گفته می شود اجازه دهید مرتبه بعد نابود شوند حرف بیهوده ای است. در عوض بانکها نیازمند سرمایه گذاری در جهت جبران خسارتهای طلبکارانشان هستند بدون اینکه بیم و هراس گسترده ای ایجاد شود.

آمریکا قصد ایجاد قدرتی را داشت که در صورت لزوم بانکهای آسیب دیده و خسارات وارده به وام دهندگان غیر ایمن را تحت پوشش خود قرار دهد. این یک شروع شایسته بود اما ممکن است خیلی یک طرفه باشد. بزرگترین بانکها که میلیاردها دلار بدهی دارند مشمول وامهای شبانه از سایر بانکها شوند، اوراق قرضه کوتاه مدت در بازار پول فروخته شوند و اوراق بهادار بعنوان تنخواه پرداخت حقوق نگهداری شوند. بسیاری از شرکا دوست دارند از بانکی که دچار ریسک شده به بانکهایی که تحت حمایت دولت هستند بروند و همانطور که بحران اخیر نشان داد ممکن است این موضوع شامل تمام بانکها شود. در عوض خیلی مهم است که بخش غیر ایمن بازار از بی ثباتی نجات یابد. ممکن است تنظیم کنندگان احساس کنند که مجبورند این قانون را امضا کنند همانطور که سال ۲۰۰۸ اینکار را انجام دادند.

راه حل ضربات آهسته و پیوسته است نه ضربات چکشی

راه حل دیگر این است که به تنظیم کننده ها قدرت وضع قوانین سختگیرانه برای بخش کوچکی از تراز مالی بانکها داده شود که بدین ترتیب نگرانی از میان می رود. کلپ تنظیم کنندگان باسل (regulators of club Basel) پیشنهاد کردند که اگر یک بانک با مشکل جدی روبروست این کار با گرفتن نوعی وام و دادن اختیار به سرپرستان برای خارج کردن آن از دفتر و یا تبدیل آن به دارائی بدون آزاد کردن قرارداد انجام شود.

این ایده یک شیوه کاربردی است بدین معنی که ساختار اعتباری بانک را اصلاح می کند بدون اینکه ساختار جدیدی ایجاد کند، اگرچه ممکن است بانکها به دو برابر این وام نیاز داشته باشند تا حفظ شوند. همچنین این کار فرار زیرکانه از فرآیند پرزحمت اقدام حقوقی است. برآستی این کار شدنی است که یک بانک می تواند ظرف یک آخر هفته ترکیب سرمایه ای خود را تغییر دهد. بانکها نگران این موضوع هستند که خریداری برای این فرآیند ایمن پیدا نشده و صدور آن پرهزینه شود. در حقیقت این بانکها شانس کمی - تقریبا در هر سال یک به ۵۰ - برای دریافت این پاداش کاهش زیان خود دارند. تنظیم کننده ها فکر می کنند که مجبورند بانکها را مطمئن سازند تا اوراق امن یکدیگر را نخرند تا در نهایت گرفتار یک سرمایه گذار واحد نشوند. در جدید ترین مورد «امریکن اینترنشنال گروپ» بدلیل دامپینگ و ایجاد ریسک برای وال استریت مجبور شد به قید کفالت رهایی یابد.

آیا این روش جواب می دهد؟ آنچه که قطع به یقین در مورد بحرانهای آینده وجود دارد این است که نگرانیهای مشابهی برای بانکها ایجاد خواهد نمود و فشارهای سنگین سیاسی موجب ثبات سیستم خواهد شد هرچند این امر هم هزینه بر است. امید این است که تنظیم کنندگان ممکن است توانایی آن را داشته باشند که زیانها را در یک مسیر کنترل شده به بخش خصوصی تحمیل کنند و فقط دو انتخاب بین فراقکنی یا فراموشی نداشته باشند.